**اعلام الطرائق**

**نويسنده : انصاری قمی، حسن**

ابوجعفر محمد بن على بن شهرآشوب بن ابى‏نصر بن ابى‏الجیش مازندرانى، ملقب به رشیدالدین و عزّالدین و معروف به ابن شهرآشوب (ف. 16 شعبان 588 ق/ 27 اوت 1192 م)، دانشمندى است برجسته از میان عالمان امامى مذهب ایران در سده ششم قمرى که گرچه بسیار نامور است، اما به دلیل از میان رفتن تعدادى از آثارش، جنبه‏هایى از شخصیت او در تاریکى فرو رفته است. وى بى‏تردید یکى از برجسته‏ترین دانشمندان جهان اسلام در سده ششم است. آثار او در علوم قرآنى و تفسیر، حدیث و رجال، ادب و فقه و کلام، نشان از وسعت دانش او دارد. وى در مقام محدث، از بسیارى مشایخ بزرگ حدیث استفاده کرد و از حافظه‏اى نیرومند برخوردار بود؛ چنانکه در مقام وعظ نیز در بغداد به عنوان واعظ شناخته مى‏شد و نزد خلیفه مقتفى (530 تا 555 ق) منزلت رفیع یافت. وى در شعر و ادب مقام برجسته‏اى دارد و این مطلب از کتاب مناقب آل ابى‏طالب (ع) و معالم العلماى او برمى‏آید. مقام فقهى و اصولى او از کتاب متشابه‏القرآن و مختلفه وى پیداست؛ چنانکه شاگردانش او را با لقب «فقیه» مى‏خوانده‏اند. افزون بر همه اینها، وى به سبب تتبع در آثار گذشتگان (از شیعه و سنّى) و برخوردارى از حافظه‏اى قوى و گستردگى مطالعات، آثار جُنگ‏مانندى نیز داشته است. شاگردش، ابن ابى‏طى، درباره دانش او مى‏نویسد: وى در «متفق و مفترق»، «مؤتلف و مختلف»، «سابق و لاحق» و «فصل و وصل» آگاهى دقیقى داشت، و این نشان از برجستگى وى در علم رجال و تراجم و حدیث و علوم وابسته دارد. شگفت‏انگیز نیست که شخصى چون ابن شهرآشوب، که به شهرهاى مختلف جهان اسلام سفر کرد و دانش آموخت (شهرهاى مختلف خراسان، رى و جبال، اصفهان و بغداد) و به حله و موصل و دست آخر به حلب رفت و همانجا نیز درگذشت، توانسته باشد با طیفهاى مختلف فکرى، علمى و دینى جهان اسلام در سده ششم آشنا شود. او از عالمان بسیار برجسته دانش آموخت که کمتر براى یک تن فرصت بهره‏بردارى از علوم آنان فراهم مى‏شود؛ کسانى مانند فتّال نیشابورى، زمخشرى، طبرسى (صاحب مجمع‏البیان)، ابوالحسن ابن‏فندق بیهقى، زاهر بن طاهر شَحّامى، ابوالفتوح رازى، فضل‏اللّه‏ راوندى، ابوالعلاء هَمَدانى، احمد غزالى، خطیب خوارزمى و قطب‏الدین راوندى. او از طریق احمد غزالى، با کتاب احیاء علوم‏الدین ابوحامد غزالى آشنا شد و آن را به واسطه احمد، روایت مى‏کرد. به هر حال او را در منابع، به دلیل وسعت دانش نقلى با خطیب بغدادى مقایسه کرده‏اند.

اما حقیقت این است که ابن شهرآشوب شاید به موازات دانشهاى نقلى، در علم کلام نیز برجستگى داشت و این مطلب از کتاب متشابه‏القرآن و مختلفه برمى‏آید. وى در بغداد و در حضور خلیفه مقتفى به مناظره با مخالفان برخاست و بر آنان فائق آمد.(1)

در میان آثار برجسته ابن شهرآشوب، که متأسفانه نشانى از آنها در دست نبود، کتابى هست با عنوان اعلام الطرائق فى الحدود و الحقائق(2). چنانکه از نام کتاب پیداست، این کتاب در موضوع «حدود» و «تعریفات» است. در این زمینه، چنانکه مى‏دانیم کتابهاى

حاشیه:

1) براى این اطلاعات که عمدتا برگرفته شده از کتاب مفقود الحاوى فى رجال الامامیّة از ابن ابى‏طىّ حلبى، شاگرد ابن شهرآشوب است، رک. ابن فوطى، مجمع‏الآداب فى معجم الالقاب، انتشار از سوى محمدالکاظم، براساس چاپ مصطفى جواد، تهران 1416 ق، 1/318؛ ذهبى، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات 581 تا 590)، به کوشش عمر عبدالسلام تدمرى، بیروت، دارالکتاب العربى، ص 309 و 310؛ صفدى، الوافى بالوفیات، به کوشش ددرینگ، ویسبادن، 1394 ق./ 1974 م، 4/164؛ ابن‏حجر عسقلانى، لسان‏المیزان، به کوشش محمد عبدالرحمان المرعشلى، بیروت، 1416 ق/ 1995 م، 6/395؛ سیوطى، طبقات المفسرین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص 96؛ نیز رک. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، بیروت، دارالاضواء، 1/12ـ6؛ همو، معالم‏العلماء، نجف 1380 ق/ 1961 م، ص 55، 135 براى مشایخ و استادان؛ براى آثار او، رک. ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص 119؛ صفدى، همانجا؛ افندى، ریاض العلماء، به کوشش سید احمد حسینى، قم، 1401 ق، 3/383 و 384: اجازه ابن شهرآشوب به تاریخ نیمه جمادى‏الآخره 581 ق به جمال‏الدین ابوالحسن على بن جعفر بن شعره حلى جامعانى؛ ابن شهرآشوب در 547 ق، مازندران را به قصد حج ترک کرد و در مسیر سفر به بغداد وارد شد و آنجا سکنى گزید، رک. ابن ابى‏طى، المنتخب (یا المنتجب) فى شرح لامیّة العرب، نسخه عکسى، به کوشش دانشمند برجسته سید محمدحسین جلالى و براساس نسخه خط مؤلف (کتابت به سال 618 ق)، شیکاگو، مقدمه مؤلف (تا برگ 12).

2) رک. معالم العلماء، ص 119 به صورت الطرائق فى الحدود و الحقائق که در نسخه معالم العلماء، تصحیح این‏جانب (زیر چاپ)، به صورت درست آن و بر اساس نسخ خطى کتاب، اعلام‏الطرائق ضبط شده است؛ نیز رک. افندى، همانجا؛ در صفدى، همانجا و احتمالاً به نقل از ابن ابى‏طى، نام کتاب بدین صورت ضبط شده است: کتاب الاعلام و الطرائق فى الحدود و الحقائق.

بسیارى‏از قرون نخستین اسلامى و به قلم دانشمندانى از طیفهاى گوناگون فکرى و با اهداف و اشکال مختلف نوشته شده است: فیلسوفان، اصولیان و متکلمان یعنى کسانى چون جابر بن حیّان، کِنْدى، فارابى، کاتب خوارزمى، ابن سینا، غزالى، سیف‏الدین آمدى، شمس‏الدین آملى و میرسیدشریف جرجانى.

این کتب عموما یا به صورت تعریف و طبقه‏بندى علوم و یا به صورت تدوین تعریف منطقى (حدّ) و یا عرفى (وضع اهالى علوم) اصطلاحات علمى و دینى و گاهى به صورت آمیخته نوشته شده است(3).

متکلّمان و اصولیان سنّى نیز کتابهایى با عنوان «الحدود» نوشته‏اند، مانند ابوالولید باجى و ابن‏فورک اشعرى که هر دو به چاپ رسیده است. بالطبع متکلمان امامى نیز در این زمینه آثارى دارند و از جمله سید مرتضى، شیخ طوسى، قاضى اشرف‏الدین صاعد البریدى الآبى و قطب‏الدین ابوجعفر محمد نیشابورى مقرى(4) که کتابهاى آنان در این زمینه همگى به چاپ رسیده است. این‏گونه کتابها در زمینه شرح اصطلاحات کلامى و تدوین تعریفنامه آنهاست.

در حدود ده سال پیش، نویسنده این سطور به نسخه‏اى از کتاب اعلام الطرائق ابن شهرآشوب دست یافت که گمان مى‏کنم تنها نسخه موجود این کتاب باشد و تاکنون نیز مورد توجّه نبوده است. این کتاب بى‏تردید پرتوى بر جوانب علمى کمتر شناخته شده ابن شهرآشوب خواهد انداخت و وسعت دانش عمومى وى به طور عام و دانش کلامى و اصولى او را به‏طور خاص نشان خواهد داد. افزون بر این، این نسخه تازه‏یاب، که حتى گویا پس از عصر ابن شهرآشوب، مورد توجه هیچ‏یک از عالمان امامى نبوده و به احتمال قوى در اختیارشان نیز نبوده است، دانشنامه‏اى است که وسعت علوم را در جهان اسلام در اواخر قرن ششم منعکس مى‏کند. این کتاب با حجمى نسبتا بزرگ، بى‏تردید یکى از بهترین، جامعترین و عالمانه‏ترین نمونه‏هاى نوع ادبىِ خود است که انتشار آن نه‏تنها به تحقیقات علمى امامیه‏شناسى یارى وافرى مى‏کند، بلکه اساسا براى پیشرفت تحقیقات عام تاریخى اسلامى نیز مفید خواهد بود. کتاب اعلام الطرائق، از نوع دانشنامه‏هایى است که به بیشتر علوم پرداخته و حتى موضوعات عمومى را نیز شامل مى‏شود و از این حیث از نوع کتب «حدود»ى است که ویژه علم خاصى نیست و موضوعات و اصطلاحات علوم گوناگون را با هم آمیخته است.

نکته‏هایى را درباره مطالب کتاب فهرست‏وار مى‏آوریم: 1) پرداختن به موضوعات جغرافیایى؛ 2) نقل عقاید کلامى متکلمان معتزلى و امامى مختلف؛ 3) نقل از التذکره ابن مَتَّوَیه؛ 4) نقل از ابن‏سینا و کندى؛ 5) ارجاع به کتاب مناقب آل ابى‏طالبِ خود (89 ب و 126 ب)؛ 6) نقل مستمر از سید مرتضى و شیخ طوسى در باب حدود؛ 7) تنظیم کتاب به ابواب و ابواب به فصول؛ 8) نقل عقاید فلاسفه؛ 9) ارجاع به کتاب مثالب النواصبِ خود (140 ب)؛ 10) ابوابى در ادب، طب، نجوم و حساب.

این کتاب، خاصه به‏سبب احتوا بر مباحث کلامى و اصولى، بسیار جالب توجه است و از آن بهره‏هاى بسیارى مى‏توان برد که امیدوارم در مقدمه چاپ آن به این نکات اشاره کنم(5). نکته جالب توجه اینکه، نسخه این کتاب که حدود 220 برگ است، نسخه‏اى است کهن و به احتمال قوى از سده ششم و حتى با توجه به اینکه اشاره‏اى به کاتب نشده و، در پایان نسخه، فقط گواهى پایان تألیف کتاب در رجب 570 قمرى از سوى مؤلف کتاب آمده، احتمالاً به خط خود ابن شهرآشوب است؛ خاصه آنکه، برخلاف معمول نسخه‏ها، در نام بردن از مؤلف کتاب هیچ‏گونه القابى براى وى به کار نبرده است: «قال محمد بن على بن شهرآشوب المازندرانى رضى‏اللّه‏ عنه» (218، الف)؛ گرچه وجود چند اشتباه املایى در نسخه امکان این احتمال را اندکى مشکل مى‏کند.(6) متأسفانه چند برگ و شاید بیشتر از آغاز نسخه افتاده است، ولى چنانکه گذشت نسخه پایان دارد.

حاشیه:

3) رک. عبدالامیر الاعسم، المصطلح الفلسفى عندالعرب، دراسة و تحقیق، قاهره 1989 م، مقدمه، ص 12 به بعد.

4) براى کتب حدود شیعى که بیشتر با همین عنوان «الحدود» و گاهى «الحدود و الحقایق» است، رک. مقدمه استاد معظم آیة‏اللّه‏ جعفر سبحانى بر الحدود قطب‏الدین نیشابورى، قم 1414 ق، ص 7 و 8.

5) چند سالى پیشتر، این نسخه را به رؤیت استاد دکتر حسین مدرسى رساندم و نسخه‏اى نیز تقدیمش کردم؛ کما اینکه نسخه‏اى نیز به استاد دانش‏پژوه تقدیم کردم. استاد مدرسى بنا داشتند مقاله‏اى به زبان انگلیسى درباره ابن شهرآشوب به نگارش درآورند و از این کتاب نیز بهره گیرند.

6) جالب اینکه کتاب متشابه‏القرآن مؤلف هم در سال 570 قمرى پایان یافته است: رک. ابن شهرآشوب، متشابه‏القرآن و مختلفه، افست از سوى انتشارات بیدار، قم، 2/285. نسخه این کتاب نیز کهنه و قریب به عصر مؤلف بوده (جلد اول، صفحه «ح» از مقدمه محقق) و امضاى مؤلف در پایان نیز عینا با نسخه ما مطابقت دارد.